

کارکردها، روش‌ها و موانع الگوگیری از اخلاق اجتماعی نبوی

مسلم محمدی^{۱*}، زهرا محمودی خورندی^۲

۱. دانشیار، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
 ۲. کارشناس ارشد، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۹)

چکیده

از مؤثرترین نیروهای فطری آدمی که می‌تواند او را در صعود به کمال انسانی کمک کند، میل به «الگوپذیری» است. تحقیق حاضر، این اصل تأثیرگذار بشری را بنا بر زندگی اجتماعی شخص پیامبر اسلام (ص) تبیین و استدلال کرده است. از آنجا که اضلاع سه‌گانه الگوسازی عبارت‌اند از کارکردها، روش‌ها و موانع، تحقیق پیش‌رو به صورت موردپژوهانه و بدون فروکاستن یکی به دیگری، این سه اصل مهم و بنیادین را تحقیق و تحلیل کرده است. از این رو، ابتدا کارکردهای الگوبودن پیامبر (ص) که عبارت‌اند از معرفی هدف غایی به افراد، قداست‌بخشی به اخلاق، ضمانت اجرایی اصول اخلاقی، اقناع ذهنی پیروان، در ادامه روش‌های الگوسازی مانند الگوسازی بر پایه ارزش‌ها، شناخت سیره پیامبر (ص) و مدل‌سازی و جز آن، و در نهایت، موانع و آسیب‌های فرارو: توصیف فرابشری، پردازش مبهم نامفهوم، نگاه تاریخی و تقدس‌زدایی بررسی و تحلیل شده است.

کلیدواژگان

اخلاق اجتماعی نبوی، کارکردها، روش‌ها، موانع.

مقدمه و طرح مسئله

انسان به گونه‌ای کمال‌جو و برتری‌خواه آفریده شده است و تحت تأثیر همین حس کمال‌جویی که در فطرت و سرشت او وجود دارد، به پیروی از انسان‌هایی راضی می‌شود که مراحل از کمال را طی کرده‌اند، تا او هم با پیروی از آن‌ها به کمال دست یابد؛ از این انسان‌ها با عنوان «الگو» یا «اسوه» یاد می‌شود.

در دین اسلام نیز به مسئله نیازمندی انسان به الگو توجه شده، و در قرآن کریم به‌طور صریح و عینی به الگوهای نمونه‌ای که شایسته پیروی‌اند، اشاره شده است؛ مانند آیه ۲۱ سوره احزاب و آیات ۴ و ۶ سوره ابراهیم که به الگوبودن حضرت محمد (ص) و حضرت ابراهیم (ع) اشاره می‌کند.

چگونگی الگوسازی از اسوه‌های دینی متناسب با توجه به شرایط موجود، از مسائل مهم و پیچیده‌ای است که امروزه متولیان تعلیم و تربیت اسلامی با آن مواجهند؛ زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری و تکوین شخصیت انسان، همانندسازی با الگوهای برتر است و با توجه به اینکه دشمنان درصدد تغییر فرهنگی با جایگزین کردن الگوهای کاذب هستند. معرفی و الگوسازی از شخصیت‌های دینی به جامعه اهمیتی مضاعف می‌یابد. علاوه بر این، جامعه اسلامی برای ساختن نسلی پویا، توانمند و سرشار از عشق و معرفت نیازمند معرفی الگوی نمونه‌ای از عالم اسلام برای جامعه است و چه الگویی بهتر و کامل‌تر از پیامبر اسلام (ص) که در قرآن نیز بر الگوبودن آن حضرت تأکید شده است.

در این پژوهش به معرفی پیامبر (ص) به‌عنوان والاترین الگوها پرداخته‌ایم. در همین راستا چند مؤلفه اخلاقی پیامبر (ص) را که برای هر شخص و جامعه‌ای حیاتی است، بررسی و تحلیل کرده‌ایم. سپس، آثار و کارکردهای الگوبودن پیامبر (ص) و روش‌های الگوسازی و در نهایت، مشکلات و موانع آن را با شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از قرآن و کتاب‌های تاریخی، حدیثی و تعلیم و تربیت اسلامی بررسی کرده‌ایم.

واژه‌شناسی الگو

معادل کلمه الگو در علوم انسانی جدید، دو واژه لاتین pattern و model است. این دو واژه امروزه در علوم تربیتی، روان‌شناسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی رواج بسیار دارند؛ به طوری که هر یک از این اصطلاحات در جایگاهی ویژه معنای خاصی می‌گیرند، البته واژه pattern گویا به معنای مورد نظر ما از الگو نزدیک‌تر است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۲۷۸). الگو تعریف‌های گوناگونی دارد، از جمله «الگو به معنای مدل، گونه، هنجار است» (بیرو^۱، ۱۳۷۵، ص ۲۶۰) و در اصطلاح، منظور از «الگو» نمونه عینی و مشهود یک فکر و عمل در ابعاد گوناگون است که برای رسیدن به کمال از سوی دیگران پیروی می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۸۵).

در فرهنگ اسلامی برای این تعریف‌های به‌طور مشخص واژه «اسوه» به کار گرفته شده است که به معنای «مقتدا» و «قدوه» است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۳۵). اسوه، حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر خود پیدا می‌کند و بر حسب اینکه پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه نیک یا بد برای انسان فراهم آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶).

حضرت محمد (ص)، والاترین الگو

به درستی که سبک زندگی الهی و تعالی اخلاق حضرت محمد (ص) باعث شد مقامش به والاترین درجات برسد که در قرآن از آن به عنوان «اسوه حسنه» و الگویی تمام‌عیار برای همه نسل‌ها و زمان‌ها یاد شود. حضرت محمد (ص) کسی بود که قبل از بعثت در جامعه‌ای که در پایین‌ترین سطح از اخلاق، فرهنگ و تمدن قرار داشت می‌زیست، اما هیچ‌گاه اصول اخلاقی را زیر پا نگذاشت، بلکه به عنوان فردی با شرافت و صاحب اعتبار در جامعه شناخته شده بود، به طوری که به او لقب «محمد امین» داده بودند. همچنین، پس از رسیدن به رسالت هم زندگی خود را کاملاً وقف گسترش دین الهی و هدایت مردم و اصلاح عقاید آن‌ها کرده بود و هیچ‌گاه ذره‌ای از هدف خود

1. Birou

به طریقی دیگر منصرف نشد، حتی در مقابل تهدیدها و تطمیع‌های قریش و خاندانش، به آنها فرمود هیچ‌گاه از طریق خویش دست بر نمی‌دارد (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۸۸۱). سبک زندگی ساده ایشان به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی و نوع برخورد با دوستان، و مخالفان و دشمنانش اخلاق الهی ایشان را متجلی می‌کرد و همه را به حیرت وامی‌داشت. همین اخلاق الهی ایشان یکی از عوامل مهم در گسترش اسلام و راه یافتن آن در قلوب مردم آن روزگار و اصلاح عقاید و اخلاق آنها بود، به طوری که ایشان دشمنی بین قبیله‌ها را به دوستی، کینه را به محبت، درشت‌خویی و بداخلاقی را به مهربانی، تکبر را به تواضع، تنبلی را به کار و تلاش، انتقام‌جویی را به بخشش و گذشت، و مهم‌تر از همه، توحید را جایگزین شرک و بت‌پرستی کرد (می‌توان گفت به همین دلیل خداوند درباره ایشان در کتاب آسمانی قرآن فرمود «و انک لعلی خلق عظیم» (قلم/۱۴) «و به راستی که تو دارای خلق عظیم هستی» و بر ماست که امروز این اخلاق را به مردم معرفی کرده، زمینه ترویج آن را فراهم کنیم.

مؤلفه‌هایی از اخلاق اجتماعی پیامبر (ص)

در ادامه، نمونه‌هایی از نیک‌رفتاری‌های پیامبر (ص) و تجلی خلق عظیم ایشان در جامعه و در ارتباط با مردم توصیف و تحلیل خواهد شد تا در ابتدا اشاره‌ای به اوج شایستگی ایشان برای الگوبودن برای جامعه بشری شود.

نرم‌خویی

نرم‌خویی و ملاحظت با مردم در سیره رفتاری پیامبر (ص) فراوان به چشم می‌خورد، برخوردهای نرم و ملاحظت‌آمیز آن حضرت با دیگران توانست جامعه را دگرگون کند، همان‌طور که درباره این حسن خلق پیامبر (ص) خداوند در قرآن فرموده‌اند: «فبما رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظًا لَأَنفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» (آل عمران / ۱۵۹): «پس به (برکت) رحمت الهی، با آنان نرم‌خو (و پرمهر) شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از گردت پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه». در واقع، همین نرم‌خویی و خوش‌خلقی پیامبر (ص)

یکی از عوامل مهم در جذب دل‌ها و گسترش اسلام بوده است و از خود پیامبر (ص) روایت شده است، که فرمودند فرشته روح‌الامین - جبرئیل - از سوی پروردگار جهانیان بر من نازل شد و گفت: «ای محمد، بر تو باد به اخلاق خوش، زیرا - بدخلقی خیر دنیا و آخرت را از بین می‌برد». آگاه باشید که شبیه‌ترین شما به من کسانی هستند که اخلاقشان از همه نیکوتر باشد (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۲). همچنین، امام حسین (ع) فرمودند از نحوه رفتار پیامبر (ص) با همنشینان از پدرم پرسیدم: ایشان فرمودند همیشه خوشرو، خوش خلق و نرم‌خو بود. خشن، درشت‌خو، پرخنده، سبکسر، بدزبان، عیجو و چاپلوس نبود (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

مدارا

منظور ما از مدارا در این نوشتار، نوعی برخورد همراه با سعه‌صدر، گذشت و تحمل است. مدارا از اموری است که در همه ابعاد سیره پیامبر (ص) اهمیت بسیار زیادی داشته است، چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌الملل، حتی در زندگی خانوادگی. پیامبر (ص) در مقابل آزار و اذیت‌های قریش، بدعهدی‌ها و کارشکنی‌های یهود و منافقان^۲، حتی بداخلاقی‌ها و تنش‌هایی که بین همسرانشان به وجود می‌آمد^۳، با مدارا به مدیریت و رفع مشکلات می‌پرداختند.

عفو و گذشت

سیره پیامبر (ص) براساس عفو و گذشت از خطاکاران و دشمنانش بود، و هیچ‌گاه به دنبال انتقام گرفتن و کینه‌توزی نسبت به آن‌ها نبودند که نمونه بارز و حیرت‌انگیز بخشش و گذشت پیامبر (ص) در فتح مکه بود، در زمانی که در اوج قدرت بودند، دشمنان را بخشیدند و با شعار

۲. رک. به جلد‌های ۲-۳-۴ کتاب السیره النبویه تألیف ابن هشام.

۳. برای نمونه می‌توان به جریان اختلاف پیش آمده بین صفیه و دیگر همسران پیامبر (ص) اشاره کرد که ایشان با مدارا و مدیریت کردن این ماجرا اختلاف پیش آمده را رفع کردند.

رک. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر قمی. تحقیق طیب موسوی جزایری، جلد دوم، قم: دارالکتاب.

«امروز روز رحمت» است، مکه را فتح کردند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۰هـ.ق، ج ۱۷، ص ۲۷۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۸۶). سیره و راه و رسم پیامبر (ص) در زندگی خانوادگی بر مبنای عفو بوده است و آن حضرت با همسران خود از سر محبت رفتار می‌کردند که به موردی از آن اشاره می‌کنیم. داستان مربوط به عایشه و حفصه درباره خوردن عسل توسط پیامبر (ص) در خانه زینب به این شرح بود که آن‌ها به پیامبر (ص) گفتند که دهانشان بوی نامناسبی می‌دهد، به همین دلیل پیامبر (ص) سوگند یاد کردند دیگر از آن عسل نخورند و به آن‌ها فرمودند از این ماجرا به کسی چیزی نگویند - تا مبادا حلال خدا در بین مردم حرام شده یا زینب ناراحت شود - ولی آن‌ها این راز را افشا کردند و پیامبر (ص) از طریق وحی از افشای این راز آگاه شد؛ قسمتی از آن را به حفصه گفت، و برای اینکه او زیاد شرمنده و خجل نشود از بیان قسمت دیگر خودداری کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۸۸). آن حضرت پس از نزول آیات ۱ تا ۵ سوره تحریم حقانیت خود را به رخ همسرانش نکشید و هیچ‌گونه نکوهشی نشان نداد و زبان به ملامت آنان نگشود (زمشخوری، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۱۵۸) و این‌چنین از آن‌ها درگذشت و آن‌ها را بخشید.

حقوق مداری

یکی دیگر از مؤلفه‌ها و اصول رفتاری پیامبر (ص) نسبت به همه افراد جامعه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، رعایت حقوق و به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر و تأکید بر آن است که اوج آن را می‌توان در معاهده‌ها و پیمان‌هایی که پیامبر (ص) با یهودیان و مسیحیان بسته‌اند مشاهده کرد.^۴

وفای به عهد و پیمان

از اصول ضروری و شایسته سیره پیامبر اکرم (ص)، وفای به عهد است. وفای به عهد از مهم‌ترین اصول زندگی رسول خدا (ص) بود و در تاریخ هیچ نمونه‌ای از عهدشکنی از سوی پیامبر (ص) گزارش نشده است و ایشان تا زمانی که طرف مقابلش بر عهدش پای بند بود هیچ‌گاه پشت پا به

۴. رک. به کتاب وثائق السیاسیه للعهد النبوی و الخلافة الراشده نوشته حمیدالله محمد.

عهد خود نمی‌زدند که در این زمینه می‌توان به وفاداری پیامبر (ص) نسبت به پیمان‌های با یهودیان (بنی‌نضیر، بنی‌قینقاع و بنی‌قریظه) اشاره کرد که این پیمان‌ها از سوی خود آن‌ها نقض شد (طبری، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۹۹۷ و ۱۰۸۲-۱۰۵۴) پیامبر (ص) همواره تأکید می‌کردند مسلمان باید به عهد و پیمانش وفا و می‌فرمودند: «هرکس به عهد خود وفا نکند، دین ندارد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۱۹۸).

کارکردها

با توجه به مطالعات کتاب‌ها و مقالاتی که در حوزه اخلاق و تعلیم و تربیت و الگوسازی انجام گرفت و تحلیل‌های انجام‌گرفته، اسوه و الگوبودن پیامبر (ص) آثار و کارکردهای فراگیر متعددی دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

اقناع ذهنی پیروان

یکی از آثار و کارکردهایی که الگوسازی از اخلاق پیامبر (ص) می‌تواند برای افراد جامعه داشته باشد، آن‌ها از لحاظ چارچوب ذهنی و فکری، منسجم و محکم می‌شوند، زیرا اغلب افراد از لحاظ اینکه چگونه باید باشند، چگونه عمل کنند، و در کدام مسیر قدم بگذارند، دچار حیرت و سرگردانی هستند؛ در واقع، به نوعی از لحاظ ذهنی درگیر و آشفته هستند، اما سرمشق و مقتدا قرار دادن پیامبر (ص) و پیروی کردن از ایشان به‌عنوان انسانی کامل و الگویی تمام‌عیار در همه زمینه‌ها باعث ایجاد نظم و چارچوب خاص ذهنی برای آنها می‌شود، یعنی آنها با عطف نظر به پیامبر (ص) و پیروی از ایشان می‌فهمند که باید در چه راهی قدم بگذارند، تا به سعادت و مقصد نهایی خویش برسند.

ضمانت اجرایی اصول اخلاقی

معرفی اسوه و الگو یکی از بهترین روش‌ها برای ضمانت اجرایی در فراگیری و پایبندی به اصول اخلاقی است، زیرا فهم و درک انسان در تشخیص خوبی، بدی و فضایل و رذایل، محدود و ناقص است، حتی گاهی ممکن است دچار اشتباه و گمراهی شود که باعث حیرت و سرگردانی انسان

می‌شود، این خود عاملی مهم در اجرایی‌نشدن بسیاری از اصول و مسائل اخلاقی است (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۸۷-۸۶). از سوی دیگر، سرمشق و الگو قرار دادن سبک و سیره پیامبر (ص) که در همه زمینه‌ها به‌طور عملی، برترین بودند بهترین ضمانت اجرایی اصول اخلاقی برای دیگر افراد است زیرا آن‌ها با الگو قرار دادن پیامبر (ص) و تاسی به شیوه ایشان متوجه می‌شوند که این اصول اخلاقی اجرایشدن است و مهم‌تر اینکه چگونه می‌توان این اصول اخلاقی را به منصفه ظهور رساند. در واقع، می‌توان گفت شخصی که دیگران را به امری دعوت می‌کند و به آن‌ها آموزش می‌دهد، اگر خود به آن‌ها عمل کند و پایبند باشد باورمندی آموزه‌هایش و اجرایشدن آن‌ها را سوی دیگران تضمین می‌کند و پیامبر (ص) به همه اصولی که دیگران را به آن‌ها دعوت می‌کردند، پایبند بودند، همان‌طور که مشهور است پیامبر (ص) به امانتداری معروف بودند، که در این زمینه می‌توان به جریان فتح خیبر اشاره کرد: یسار حبشی غلام سیاهی از آن عامر یهودی بود و گوسفندان ارباب خود را می‌چرانید، همینکه دید مردم خیبر داخل حصار می‌شوند و جنگ می‌کنند، پرسید: با چه کسی می‌جنگید؟

گفتند: با این مردی که می‌پندارد پیامبر است. یسار گوید: این کلمه بر دل من نشست، و همراه گوسفندان به طرف رسول خدا (ص) آمدم و گفتم: ای محمد، تو چه عقیده‌ای داری و چه می‌گویی، و به چه چیزی فرامی‌خوانی؟ فرمود: من به اسلام فرامی‌خوانم، گواهی بده که خدایی جز خدای یکتا نیست و من هم فرستاده اویم. گفتم: برای من چه خواهد بود؟ فرمود: اگر بر این عقیده پایداری کنی بهشت از آن تو خواهد بود. گویند: اسلام آورد و گفت: این گوسفندان امانت است. پیامبر (ص) فرمودند: این گوسفندها را از لشکرگاه بیرون ببر و آن‌ها را بران و مقداری سنگ‌ریزه به آن‌ها بزن، خداوند متعال این امانت را از عهده تو برخواهد داشت. او چنان کرد و گوسفندان به طرف صاحب خود رفتند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۴۹). همان‌طور که مشهود است پیامبر (ص) در جنگ و مواقع حساس و بحرانی هیچ‌گاه از اصول اخلاقی خود عدول نکرده، بلکه به دیگران هم آموزش و سفارش می‌کردند.

قداست‌بخشی به اخلاق

یکی دیگر از کارکردهای الگوبودن اخلاق پیامبر (ص)، قداست‌بخشی به اخلاق و مسائل اخلاقی است. اعتبار و وثاقت منبع ارائه‌دهنده ارزش‌های اخلاقی می‌تواند تأثیر فراوانی بر افراد داشته باشد (رک. محمدی، ۱۳۹۰، ص ۸۹). در واقع، وقتی افراد می‌بینند که الگوی آن‌ها فردی الهی و آسمانی و فرستاده خداوند است و برای این اصول و مسائل که او بیان و به آن‌ها عمل می‌کند احترام و قداست خاصی قائل شده است، اطمینان خاطر مردم و متدینان و در نتیجه، جاودانگی و قداست‌بخشی اصول اخلاقی را در پی خواهد داشت.

معرفی هدف غایی به افراد

یکی دیگر از کارکردهای الگو و اسوه‌بودن پیامبر (ص)، معرفی هدف غایی به انسان‌هاست، با معرفی پیامبر (ص) به‌عنوان انسانی کامل که در قرآن از ایشان به‌عنوان «اسوه حسنه» (احزاب/۲۱) و از اخلاق الهی‌شان به‌عنوان «خلق عظیم» (قلم/۴) یاد شده است، انسان‌ها می‌توانند هدف از آفرینش و خلقت خویش را در ایشان به‌عنوان هدف غایی ببینند و برای رسیدن و طی کردن مراحل کمال و مانند او شدن تلاش کنند.

مهار و تعدیل شخصیت افراد

یکی دیگر از آثار و کارکردهای الگوسازی از پیامبر (ص)، تعدیل شخصیت افراد است، زیرا معمولاً افراد در بعضی زمینه‌ها دچار آفات اخلاقی‌اند، اما با مطالعه و آشنایی با نحوه رفتار پیامبر (ص) در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و جز آن نحوه رفتار با دشمنان و مخالفان، و یاران و دوستان، به والاترین اصول اخلاقی دست می‌یابند و به انطباق، هماهنگی و همانندسازی خود با این اصول و رفتارکردن مطابق با آن‌ها و ازبین‌بردن آفات اخلاقی خود برمی‌آیند که این باعث مهار و تعدیل شخصیت افراد مانع افراط و تفریط در زمینه‌های گوناگون می‌شود.

روش‌ها

از مسائل مهم و پیچیده‌ای که جامعه امروز با آن روبه‌رو شده است، چگونگی معرفی و الگوسازی از الگوها و شخصیت‌های بزرگ دینی متناسب با زندگی انسان معاصر است. زیرا الگوها و تبعیت از آنها در نظام تربیتی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند، زیرا مانند شاخص و معیاری برای افراد هستند و در صورت نبود آنها یا جایگزین شدن الگوهای کاذب به جای الگوهای حقیقی، جامعه دچار سقوط و انحطاط اخلاقی می‌شود و افراد در شناسایی اصول و ارزش‌ها، و نارسایی‌ها و کمبودها دچار حیرت و سرگردانی می‌شوند و می‌توان گفت متأسفانه بخشی از بیماری‌های اخلاقی که جامعه امروز به آن مبتلا شده است، در اثر عدم معرفی و الگوسازی صحیح است؛ پس اگر جامعه‌ای می‌خواهد نیروهایی توانمند و باصلابت در همه عرصه‌ها تربیت کند، باید به الگوی نمونه عالم اسلام توجه کند. به همین دلیل، سعی داریم به یکی از پرسش‌های اساسی و مهم، که همان چگونگی الگوسازی از اسوه‌های دینی در عصر حاضر است، پاسخ گوئیم. در همین راستا، مقالات و دیگر نوشته‌های تألیف‌شده در این زمینه را مطالعه کرده‌ایم و با نظرهای صاحب‌نظران آشنایی یافتیم. سپس، روش‌های جدید و کاربردی براساس معیار و ضوابط اصولی برای الگوسازی پیشنهاد می‌شود.

مدل‌سازی

روان‌شناسان اجتماعی در دو دهه به تبعیت از باندورا، نظریه پرداز برجسته یادگیری اجتماعی، در بررسی‌های علمی خود به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش و یادگیری اجتماعی از طریق الگوها فرایندی پیچیده است که حداقل دو شرط در تحقق آن دخالت دارد، ۱. اکتساب و اختیار رفتارها و عادت‌های آنان، ۲. پذیرش رفتار الگوها به‌عنوان الگوی رفتاری و حرکت در مسیر آنها و تکرار رفتارشان. برای الگوسازی از الگوهای دینی باید بینیم آنها چه قدم‌هایی را برداشته و چه باورهایی داشته‌اند، به بیان دیگر، کشف دقیق و مشخص راه‌هایی که آنها رفته‌اند، به این عمل در

اصطلاح «مدل‌سازی» می‌گویند. پایه‌گذاران علم مدل‌سازی، جان گریندر^۵، زبان‌شناس برجسته جهان و ریچارد بندلر^۶ ریاضی‌دان، دریافتند که برای الگوسازی باید از رفتار الگوها مدل‌سازی کرد. آنان معتقدند برای الگوسازی باید سه عنصر اساسی را همانندسازی کرد.

الف) در نظام عقیدتی شخص: یعنی آنچه الگو باور دارد. بنابراین، اگر نظام عقیدتی شخصی را مدل‌سازی کنید، اولین قدم را برداشته‌اید تا مانند او عمل کنید و در نتیجه، به همان هدف برسید.

ب) قالب فکری: همان شیوه سازمان‌دادن به افکار و اندیشه‌هاست (طرز تفکر و چگونگی شکل‌دادن به افکار و اندیشه‌ها)

ج) اعمال جسمانی: یعنی طرز تنفس، ژست‌ها، تغییرات قیافه و جز آن، به‌طور کلی مدل‌سازی، که همان بررسی راه‌های رفته دیگران است.

دست‌آورد این بحث این است که اگر انسان می‌خواهد فردی قدرتمند، بزرگ، پیروز و سرنوشت‌ساز باشد و احیاناً آرزو دارد تحولات عظیمی را در جامعه خود یا در جهان ایجاد کند باید از افراد نیرومند و تحول‌آفرین الگو برداری کرده و خود را در زمینه اعتقادات، قالب‌های فکری و حالت‌های جسمانی و رفتاری با آن‌ها همانندسازی و هماهنگ کند.

اگر گام‌هایی را که او برداشته است، به‌خوبی بشناسد و سعی کند با شوق و علاقه، و دقیق و صحیح آن گام‌ها را بردارد، می‌تواند همانندسازی کند و در الگوگیری موفق شود و به همان اهدافی که الگو رسیده است او هم می‌تواند برسد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «انظروا بیت نبیکم...؛ (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶)، دقیقاً نگاه کنید به اهل بیت پیامبر اکرم (ص)... حضرت توصیه می‌کنند که روش‌های آنان را با روح تقلید و تمرین تکرار کنید. زمانی که حضرت ضرورت الگوگیری از پیامبر اکرم (ص) را در خطبه‌ای بیان می‌کنند، می‌فرمایند: «فتأس بنبیک الاطیب الاطهر، فان فیه اسوة لمن

5. Greinder

6. Bandler

تأسی...؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاک اقتدا کن که راه و رسم الگویی است برای الگوظلبنان و سایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، گام بر جایگاه قدم او نهد» (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۰). حضرت بعد از این مقدمه به معرفی نظام عقیدتی حضرت رسول (ص) می‌پردازد، و سپس، قالب فکری پیامبر اکرم (ص) را بیان می‌کند. نحوه برخورد ایشان با دنیا، دوستی‌ها و دشمنی‌های وی نکته جالب توجه اینک به تبیین حالات جسمانی و رفتاری حضرت رسول (ص) می‌پردازد و چه زیبا از این حالات سخن می‌گویند: او روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، ساده می‌نشست، با دست خود کفش خود را وصله می‌زد و جامه خود را با دست خود می‌دوخت و بر الاغ برهنه می‌نشست؛ حتی از پرده در اتاق حضرت نیز سخن می‌گوید (دشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۲). این نحوه بیان مولای متقیان از پیامبر اکرم (ص) به عنوان «اسوه حسنه» دقیقاً نشان می‌دهد که اگر کسی اراده کرد فردی را به عنوان الگو بپذیرد، ابتدا باید خودش بخواهد. اگر خواست فرد بود آنگاه برای الگوسازی از این شخصیت بزرگ همان‌طور که روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مطرح کردند باید کاملاً نظام عقیدتی و فکری و حالات جسمانی و رفتارهای او را بشناسد و به‌دقت بداند تا، به تعبیر حضرت علی (ع)، بتواند گام بر جایگاه قدم او نهد. شناسایی دقیق و کامل گام‌هایی که او برداشته برای تأسی از ضرورت‌های اساسی است، تا بتواند به‌خوبی مدل‌سازی کند (معین‌الاسلام، ۱۳۸۱، ص ۲۳-۲۲).

شناخت سیره پیامبر (ص)

یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده در الگوسازی، شناخت سیره معصومان (ع) یا به اصطلاح سیره‌پژوهی است. برای انجام‌دادن این کار، بهتر است سیره پیامبر (ص) را به تفکیک بررسی کنیم، مثلاً سیره اقتصادی، سیاسی، نظامی، قضایی و جز آن را به تفکیک بررسی کنیم، زیرا این کار باعث شناخت بهتر و ملموس‌تر پیامبر (ص) می‌شود و افراد به درک و آشنایی عمیق‌تر از نحوه رفتار پیامبر (ص) و چگونگی الگوسازی از آن دست می‌یابند. این نحوه شناخت سیره این مزیت را برای افراد به همراه دارد که الگوی جامع و کامل و همه‌جانبه‌ای از شرایط مختلف زندگی معصوم

(ع) ارائه می‌دهد، این نحوه شناخت براساس مسئله و نیازهای زندگی شکل می‌گیرد و به پاسخ‌جویی از سیره الگوها و اسوه‌های دینی می‌پردازد. پس می‌تواند بسیار مفید و از کارایی بالایی برای الگوسازی برخوردار باشد.

روش‌های الگوسازی با به‌کارگیری رسانه‌ها

با توجه به نامیده شدن عصر حاضر به عصر ارتباطات، برای انتقال مفاهیم دینی در سطح جهان بستر مناسبی فراهم شده است. از این رو، امروزه هیچ‌کس نمی‌تواند نقش پررنگ رسانه‌ها را در الگوسازی و نهادینه کردن باورها و هنجارهای دینی انکار کند. همه می‌دانند و باور دارند رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در این زمینه دارند، رسانه‌ها با تناسب ظرفیت، نوع کاربرد و جایگاه اجتماعی که دارند می‌توانند به معرفی و الگوسازی از شخصیت‌های دینی بپردازند. برای الگوسازی از شخصیت پیامبر (ص) به وسیله رسانه‌ها روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) تبلیغات رسانه‌ای

یکی از روش‌های الگوسازی، پخش گسترده آن دیدگاه از رسانه‌ها است. تبلیغات رسانه‌ای موجب فعال شدن ضمیر ناخودآگاه افراد و شکل‌دهی به افکارشان می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد با پخش گسترده یک مطلب، افراد جامعه درباره آن مطلب با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند؛ این امر موجب شکل‌دهی به افکار عمومی می‌شود (آرونسون^۷، ۱۳۸۹، ص ۷۶).

با شکل‌گیری افکار عمومی و رواج یک دیدگاه، انگیزه برای مخالفت با آن دیدگاه کم می‌شود و این مسئله به یک‌دست و یک‌صدا شدن جامعه کمک می‌کند و زمینه را برای الگوسازی مهیا می‌کند.

ب) رصدکردن تبلیغات مخالفان

با مطرح شدن موضوع الگوسازی از اخلاق پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، دشمنان در پی استحاله

7. Aronson

فرهنگی و تغییر دادن الگوها و جایگزین کردن الگوهای ناشایست به جای الگوهای شایسته و برخاسته از دین هستند. در همین راستا، شبهه‌هایی مانند تاریخی بودن الگوها و اسوه‌های دینی، یا اینکه رفتار پیامبر (ص) متناسب با روحیات مردم همان روزگار بوده است، مطرح می‌کنند. در نتیجه، باید با توجه به شبهات و مسائلی که از ناحیه آن‌ها مطرح می‌شود به ساخت برنامه‌ها پرداخت و تبلیغات آن‌ها را خنثی کرد، و الگوسازی کرد.

ایجاد انس مردم با پیامبر (ص)

یکی دیگر از روش‌های الگوسازی از اخلاق پیامبر (ص)، مأنوس کردن و دوستی میان مردم و شخصیت پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) است. هنگامی که دوستی و الفت میان مردم و مقام پیامبر (ص) و خاندان او برقرار شود مردم به دنبال شناخت و معرفت بیشتر به آن حضرت برمی‌آیند و پس از به دست آوردن شناخت و معرفت در پی الگوگیری و قدم نهادن در طریق آن حضرت اقدام می‌کنند. حال برای مأنوس کردن مردم با پیامبر (ص) روش‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) تکریم مناسبت‌ها

تکریم مناسبت‌ها و ایام‌الله و به‌ویژه ولادت معصومان (ع) و بزرگان دین و اهمیت‌دادن به ایام شهادت و رحلت آنان دریچه‌هایی از شناخت و معرفت فرزندان را به روح و قلب جوانان می‌گشاید و آنان را در همانندسازی بهینه یاری می‌بخشد.

برگزاری جلسات و مجالس سخنرانی درباره سیره و سبک‌شناسی نبوی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی، در ایام ولادت و شهادت، و برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی زمینه‌های شناخت و الگوگیری از بزرگان دین را برای عامه مردم فراهم می‌کند.

ب) زیارت مرقد مطهر پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)

زیارت هم تعظیم، بزرگداشت و احترام به شخص زیارت شده - معصوم (ع) - است و هم زمینه‌ای برای تعلیم و شناخت برای شخص زائر است. در زیارت علاوه بر یاد خداوند و رسیدن به نشاط روحی و معنوی زمینه‌ای برای معرفی و شناخت سبک و سیره معصوم (ع) برای فرد

حاصل می‌شود و فرد زائر با شناختی که نسبت به معصومین (ع) که کامل‌ترین و بهترین الگوها برای تبعیت و پیروی هستند، پیدا می‌کند. نمونه‌ای کامل برای پیروی در همه زمینه‌های زندگی یافته است و در نتیجه، در پی الگوسازی خود از معصوم (ع) برمی‌آید، و راه سعادت و رستگاری را طی می‌کند.

الگوسازی بر پایه ارزش‌ها

الگو قراردادن پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و بزرگان دین به این معنا نیست که همه کارها و برنامه‌های جزئی و شخصی و اموری، که مناسب شرایط زمانی و مکانی زمان پیامبر (ص) بود در این زمان و در زندگی ما نیز اجرا شود، بلکه باید خطوط کلی و مسائل اساسی و راه‌کارهای عملی زندگی را از آن‌ها فراگرفت و از آن‌ها در این راستا الگو گرفت (و الگوسازی کرد). به بیان دیگر، امور زندگی بر دو نوع‌اند: امور تغییرپذیر و امور تغییرناپذیر اموری مانند سبک معماری، شهرسازی، شهرنشینی، وسیله نقلیه، نوشت‌افزار، جنگ‌افزار و مانند آن تغییر می‌کنند، اما اموری مانند اصل عبادت خداوند، صداقت، عدالت، انسانیت، پاکی، درستکاری، امانت‌داری، عزتمندی، تعلیم دیگران و خدمت‌رسانی و ده‌ها مسئله از این دست از امور تغییرناپذیر به شمار می‌روند. از اینجا می‌توان قلمرو الگوگیری و الگوسازی را شناخت. الگوگیری و الگوسازی بیشتر در امور تغییرناپذیر اتفاق می‌افتد و اسوه‌ها در این‌گونه امور الگو قرار می‌گیرند، نه در امور تغییرپذیر (پسندیده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). برای مثال، ما در تاریخ می‌خوانیم که حضرت علی (ع) از طریق حفر قنات به جامعه خدمت‌رسانی می‌کردند، ولی در عصر کنونی خدمت‌رسانی به شیوه‌های دیگری مانند ساختن مدارس در مناطق محروم انجام می‌گیرد، یعنی اصل خدمت‌رسانی از امور ثابت و تغییرناپذیر است، ولی شیوه‌های آن در هر عصر متفاوت است و ما باید در همان امور تغییرناپذیر از معصومین (ع) الگوسازی کنیم، یعنی برای خدمت‌رسانی در عصر حاضر نباید مانند حضرت علی (ع) قنات حفر کنیم، بلکه باید اصل خدمت‌رسانی را از ایشان الگوگیری کنیم.

موانع

براساس مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که به چالش‌های الگوسازی و معاصرسازی الگوهای دینی پرداخته‌اند و مطالعه نظرهای منتقدان در این زمینه و تحلیل‌های جدید انجام گرفته، بررسی برخی موانع که در الگوسازی چالش‌آفرین به نظر می‌آیند، پایان‌بخش این پژوهش خواهد بود. این موانع به شرح زیرند:

نگاه صرفاً تاریخی

به زعم برخی، الگوها اموری زمانی‌اند؛ هر شخصی در زمان خاصی می‌تواند واجد الگویی باشد، یعنی علاوه بر آنکه پیام و نمادی از اهداف تربیتی را ارائه می‌دهد، مصداق مطلوب آن را نیز به نمایش می‌گذارد. اما هنگامی که برهه زمانی سپری می‌شود، کارایی یک الگو در حد ارائه یک پیام و نماد تربیتی فرو کاسته می‌شود. در واقع، گروهی معتقدند فرازمانی بودن الگوها با مقتضیات زمان و مکان سازگاری ندارد. بنابراین، اسوه‌ها و الگوهای دیروز نمی‌توانند برای امروز الگو باشند. آن‌ها می‌گویند «ما هیچ اسوه فراتاریخی نداریم؛ حضرت علی (ع) اسوه عدالت است، اما اسوه مصادیق عدالت در آن عصر است. هر کس اسوه عدالت زمانه خویش است، ما هیچ اسوه فراتاریخی برای عدالت نداریم» (شبستری، ۱۳۷۹، ص ۴۷۸).

برخی دیگر نیز برای اثبات تاریخی بودن اسوه‌ها، به مفهوم محدودیت الگوبودن آن‌ها به زمانی خاص، فزونی اطلاعات در عصر جدید را ملاک تفاوت بشر جدید و قدیم می‌دانند، آن‌ها الگوهای تازه را زیور و روکننده زندگی دانسته‌اند، و می‌گویند: «بشر با ظهور علم جدید، تاریخ جدیدی را آغاز کرد، بنابراین، نباید انتظار داشت درک از دین در جهان جدید به قرار سابق باقی بماند، پس روا نیست ما دین‌داری انسان جدید را مانند دین‌داری انسان قدیم بدانیم (سروش، ۱۳۸۹، ص ۴۰۹-۴۰۸). در واقع، آن‌ها معتقدند شیوه‌های اجرایی اسوه‌ها و الگوهای صدر اسلام در زمان حاضر، اجرانشدنی است و دیگر برای زمان و جامعه امروز کارایی ندارد و با توجه به همین دیدگاه، آن‌ها هرگونه اسوه و الگوی فراتاریخی و فرازمانی را نفی می‌کنند و بر تاریخ‌مندی الگوهای دینی و نفی پایداری و جاودانگی آن‌ها برای همه زمان‌ها معتقدند.

توصیف فرابشری

از جمله موانع و مشکلات الگوسازی، توصیفی فرابشری از الگوهای دینی و ارائه چهره‌ای مقدس و ملکوتی است، تا حدی که دیگر افراد جامعه خود را برای همانندسازی از معصومین (ع)، عاجز و ناتوان ببینند و از این کار منصرف شوند. گاه چنان توصیفی از پیامبر (ص) در مجالس سخنرانی یا کتاب‌ها می‌شود که تبدیل به یک موجود ماورایی و غیرقابل لمس برای افراد می‌شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷). این کاملاً درست است که پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع) ویژگی‌هایی داشته‌اند که آن‌ها را از افراد عادی و معمولی جامعه متمایز می‌کرده است، ولی برای الگوسازی باید از این ویژگی‌ها صرف‌نظر شود و فقط به همان جنبه‌های مشترک انسانی و انسانیت توجه شود، به همین دلیل، خداوند نیز در قرآن کریم به پیامبر (ص) فرموده‌اند: به مردم بگو: «من هم بشری همانند شما هستم» (کهف/۱۱۰)؛ تا مردم فکر نکنند پیامبر (ص) غیر از آن‌هاست و نمی‌توانند در منش و اخلاق از او تبعیت کنند و به وی تشبه جویند. بی‌توجهی به توصیف فرابشری از الگوهای دینی می‌تواند از آسیب‌های اساسی باشد که انسان‌ها را از تأسی به الگوهای دینی باز می‌دارد.

به همین دلیل از جمله اقداماتی که باید در جریان اسوه‌پردازی و الگوسازی مورد نظر قرار گیرد، جداکردن جنبه‌های مختلف شخصیتی پیشوایان دینی است. این یک جراحی تاریخی است که باید انجام گیرد، و باید اختصاص‌ها و اشتراک‌ها را از هم جدا کنیم؛ اینکه پیامبر (ص) مرد بود، شعر نمی‌خواند، از نژاد عرب بود و در یک موقعیت جغرافیایی خاص زندگی می‌کرد، همه این‌ها را باید به نحوی کنار بگذاریم؛ آن خصوصیات و صفاتی را در نظر بگیریم که او را الگو و قابل پیروی کرده است، آن‌ها را باید اختیار کنیم (سروش، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴-۱۹۳).

تقدس‌زادی

همان‌طور که اشاره کردیم عده‌ای راه افراط را در معرفی الگوهای دینی در پیش گرفته‌اند و آن‌ها را فرانسائی و دست‌نیافتی جلوه داده‌اند، که این نگاه می‌تواند بسیار مخرب باشد و به حاکم‌شدن نوعی جو نومیدانه بر مردم برای تبعیت و پیروی از الگوهای دینی بینجامد؛ حال برخی در مقابل

این دیدگاه راه تفریط در پیش گرفته و جنبه قدسی و ملکوتی الگوها و اسوه‌ها را نادیده انگاشته‌اند و سعی بر آن دارند که الگوها و اسوه‌های دینی را مانند دیگر افراد عادی و معمولی جامعه به مردم معرفی کنند، که این باعث از بین رفتن جایگاه رفیع و احترام‌برانگیز و از بین رفتن آن مقام قدسی و ملکوتی آن‌ها می‌شود و در نتیجه دیگر مردم، الگوهای دینی را افراد شایسته و قابل پیروی نمی‌دانند، زیرا آن‌ها را هم سطح و هم‌رتبه خود، نه انسان‌هایی مافوق خود و کامل می‌بینند و علاوه بر این، یکی از دلایل پیروی از الگوهای دینی، آن جذابیت جنبه ملکوتی و قدسی‌شان است و در این نوع نگاه، آن جنبه ملکوتی و قدسی خود را از دست داده و از جذابیت آن‌ها کاسته شده است. از سویی دیگر، باید به این نکته توجه کرد که این نوع معرفی الگوهای دینی می‌تواند جریان‌ی ضددینی و مبارزه علیه دین به صورت تخریب الگوهای دینی باشد، الگوهای دینی را افرادی عادی و مانند دیگر مردم معرفی می‌کند که دیگر لیاقت و شایستگی پیروی از سوی دیگر افراد را ندارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹-۱۳۸).

ترسیم مبهم و نامفهوم

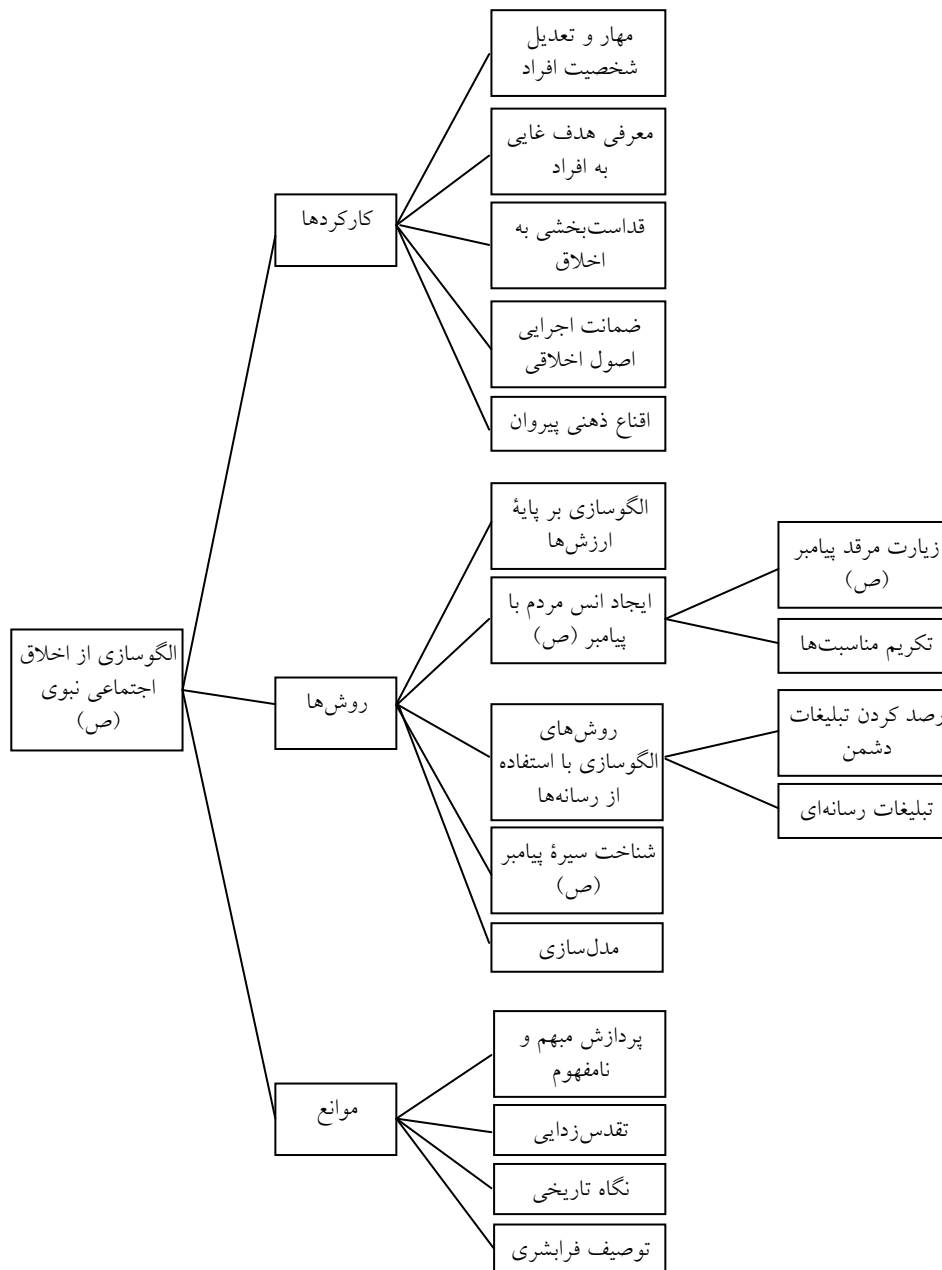
یکی دیگر از عوامل آسیب‌زا و از موانع و مشکلات الگوسازی، ترسیم مبهم و نامفهوم از الگوهای دینی است. اولین نکته‌ای که در زمینه الگوسازی باید مورد توجه واقع شود این است که از شخصیت فرد مورد نظر، یعنی مربی، در همه زمینه‌ها، معرفی و تبیینی به دور از ابهام و درخور فهم و کامل ارائه شود. در این زمینه باید کتبی تألیف شود که سبک و سیره نبوی را در هر زمینه، اعم از اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و جز آن، به‌طور جداگانه و مفصل، و مطابق با نیازهای روز و مناسب برای هر گروه سنی و نوع مخاطب معرفی کند. همچنین، برگزاری مجالس سخنرانی، کارگاه‌های آموزشی و ساختن برنامه از طریق رسانه‌ها برای هر گروه سنی و اقشار خاص می‌تواند بسیار مؤثر واقع شود، ولی متأسفانه امروزه در تألیف کتب سبک و سیره‌شناسی معصومین معمولاً زیاد به این نکات توجه نمی‌شود و معمولاً کتاب‌ها با جنبه تاریخی و بدون هیچ جذابیتی و بی‌توجه به نیازهای روز جامعه نوشته می‌شوند. از این رو، تأکید بر این نکته ضروری است که در سیره‌نویسی و الگوپردازی از نگاه صرف تاریخی به سیره باید صرف نظر کرد و با رعایت اصول و

مبانی و چینش مشخص و هدفمند و نیز تقریرات جذاب و رسا به الگوسازی و معرفی الگوهای دینی پرداخت (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

نتیجه

نتایج این تحقیق به شرح زیر است:

۱. در آیات قرآن کریم، اخلاق و رفتار پیامبر (ص) ستوده شده است، و خداوند حضرت محمد (ص) را بهترین الگو معرفی می‌کند، یعنی پیامبر (ص) الگویی است که مسلمانان باید همواره وی را پیش روی خویش داشته باشند و به او تاسی کنند.
۲. از مهم‌ترین اموری که در شکل‌گیری و تکوین شخصیت انسان نقش بسزا و انکارناشدنی دارد، پیروی از الگوها و تبعیت از آنهاست، که حتی به‌عنوان یکی از روش‌های تربیتی با عنوان «روش الگویی» در بحث تعلیم و تربیت به‌کار گرفته می‌شود.
۳. برای الگوسازی از اخلاق نبوی باید به معرفی روش‌های الگوسازی و بررسی موانع و مشکلات آن پرداخته شود، و پیامبر (ص) را به‌عنوان الگویی جهانی برای هم‌نسل‌ها و زمان‌ها معرفی کنیم.
۴. الگوسازی از اخلاق نبوی به‌دلیل آثار و کارکردهای مفید آن مانند اقناع ذهنی پیروان، قداست‌بخشی به اخلاق، معرفی و ارائه هدف‌گایی به افراد و تضمین اجراشدن اصول اخلاقی در جامعه، می‌تواند مانند اکسیری جادویی و امیدبخش عمل کند، که باعث تحرک، پویایی و نشاط جامعه شود.



شکل ۱. مدل مفهومی طراحی شده

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۰هـ.ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق ابوالفضل ابراهیم محمد، چاپ سوم، قم: مکتبه آیت‌الله العظمی المرعشی النجفی.
۲. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۴)، تاریخ کامل، ترجمه حسین روحانی، تهران، اساطیر، چاپ سوم
۳. آرونسون، الیوت (۱۳۸۹). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن، چاپ ششم، تهران: رشد.
۴. بیرو، آلن (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۵. پسندیده، عباس (۱۳۸۷). معاصر سازی اسوه‌های دینی. مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صفحات ۱۳۱-۱۰۳.
۶. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۶، صفحات ۱۴۲-۱۳۳.
۷. دشتی، محمد (۱۳۸۶). نهج البلاغه. چاپ سوم، تهران: پیام عدالت.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.
۹. زمخشری، ابی‌القاسم محمود بن عمر (۱۴۱۸). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل. تحقیق عبدال موجود عادل احمد، علی محمد معوض، ریاض: مکتبه العبیکان.
۱۰. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۹). آیین شهریاری و دین‌داری. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۱. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۹). بسط تجربه نبوی. چاپ چهارم، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۲. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۱). سنن‌النبی. ترجمه حسین استادولی، چاپ سوم، تهران: پیام آزادی.

۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳). *تاریخ الرسل و الملوك*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
۱۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. تحقیق احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران: مکتبه المرتضویه.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*. تحقیق طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۱۷. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹). *تقدی بر قرائت رسمی از دین*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۹. محمدی، مسلم (۱۳۹۰). *ابعاد هویت یابی نظام اخلاقی دین با تأکید بر جنبه کارکردگرایی*. اندیشه نوین دینی، شماره ۲۷، صفحات ۷۹-۱۰۰.
۲۰. معین الاسلام، مریم (۱۳۸۱). *زنان و الگوگیری از شخصیت‌های نمونه اسلام*. نشریه پیام زن، شماره ۱۲۴، صفحات ۲۰-۳۹.
۲۱. مقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰). *امتاع الاسماع*. تحقیق نمیسف محمد عبد الحمید، بیروت: دارالکتب العلمیه «منشورات محمد علی بیضون».
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه*. چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۲). *آموزه‌های اسلامی در باب تقلید از گوها (با تأکید بر دوره جوانی)*. مجله معرفت، شماره ۶۷، صفحات ۸۴-۹۳.
۲۴. واقدی، محمدبن عمر (۱۴۰۹). *المغازی*. چاپ سوم، بیروت: اعلمی.